فصلنامه مطالعات حقوق
Journal of Legal Studies
شماره بیست و پنجم. پاییز ۱۳۹۷، صص ۷۴-۶۷ Vol 3. No 25. 2018, p 67-74
شماره شاپا (۲۵۳۸-۶۳۹۵) ISSN: (2538-6395)

آثار تغییر جنسیت بر قوانین کیفری

مریم دهقان[1]. دکتر حسین رنجبر[2]
۱. دانشجوی کارشناسی ارشد فقه و حقوق جزا، دانشگاه غیرانتفاعی شمال آمل. ایران
Maryam.dehghan09@gmail.com
۲. استادیار و عضو هیأت علمی گروه حقوق، دانشگاه غیرانتفاعی شمال آمل. ایران
H.ranjbar95@gmail.com

چکیده
یکی از مسائل مهمی که امروزه در جامعه‌ی بشری مورد بحث و بررسی است مسئله‌ی تغییر جنسیت است، این موضوع اگر چه به ندرت وجود داشته اما در حال حاضر در علم پزشکی و به دنبال آن در موضوعات حقوقی از اهمیت خاصی برخوردار شده است. سوال مهم این است که تغییر جنسیت چه تاثیری بر روابط انسانی می‌گذارد؟ و به عبارتی ارتباطات بین انسان‌ها بعد از تغییر ماهیت جسمی و همچنین روحی و روانی چه آثاری را به همراه دارد؟ این موضوع در قوانین ما با سکوت قانونگذار مواجه شده است بنابراین ما باید با توجه به اصل ۱۶۷ ق. ا و با استناد به منابع معتبر اسلامی و همچنین اصول حاکم، حکم این قضیه را دریابیم.

واژه‌های کلیدی: تغییر جنسیت، احکام کیفری، نظریات شرعی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

۱- مقدمه

در دنیای امروز پیشرفت‌های چشمگیر علم پزشکی پرده از مسائل بسیاری برداشته که اگرچه در گذشته‌ها نیز وجود داشته اما به تبع نیاز جامعه و بروز محسوس آن در حال حاضر مورد توجه قرار گرفته است. یکی از این مسائل که بسیار بحث برانگیز می‌باشد موضوع تغییر جنسیت است. این موضوع علاوه بر عالم پزشکی از نقطه نظر مباحث اجتماعی و به خصوص دنیای حقوق مشکلات و چالش‌های بسیاری را به وجود آورده است چرا که بسیاری از مسائل حقوقی با توجه به جنسیت شخص شکل گرفته است و چه بسا زمانی که مشخص نباشد فرد از لحاظ جنسی ملحق به دسته‌ی مردان است و یا زنان نمی توان آن مشکل حقوقی را به درستی حل کرد. امروزه با وجود اینکه افراد بسیاری در جامعه با مشکل اختلال جنسیتی مواجه هستند و بسیاری از آنها تحت عمل تغییر جنسیت قرار گرفتند اما متاسفانه قوانین و مقرراتی در باب معضلات حقوقی این افراد وضع نشده است، از آن گذشته به دلیل فقدان نص در قرآن کریم و روایات موجود از باب فقهی نیز نمی‌توانیم راه حل مناسبی برای این مشکل بیابیم جز موارد محدودی که همه‌ی جنبه‌های این مشکل را دربر نمی‌گیرد. باید به این نکته توجه داشت که احکام فقهی و مقررات قانونی اگر بخواهند تمامی ابعاد مشکلات حقوقی جامعه را دربرگیرند باید از مقتضیات زمانی و مکانی تبعیت کنند و به طور مداوم در حال به روز رسانی باشند. در مقابل فقدان قانون برای مسائل حقوقی و کیفری افراد تغییر جنسیت داده شده با یکی از اصول مسلم قانون اساسی مواجه می‌شویم، اصل ۱۶۷ قانون اساسی که بیان می‌دارد: «قاضی موظف است کوشش کند حکم هر دعوا را در قوانین مدونه بیابد و اگر نیابد با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر، حکم قضیه را صادر کند و نمی‌تواند به بهانه‌ی سکوت یا نقض یا اجمال یا تعارض قوانین مدونه، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزد». در همین راستا ماده‌ی ۳ قانون آیین دادرسی مدنی نیز بیان می‌کند:«قضات دادگاه‌ها موظفند موافق قوانین به دعاوی رسیدگی کرده، حکم مقتضی صادر و یا فصل خصومت نمایند. در صورتی که قوانین موضوعه، کامل یا صریح نبوده یا متعارض باشند، یا اصلا قانونی در قضیه‌ی مطروحه وجود نداشته باشد، با استناد به منابع معتبر اسلامی یا فتاوی معتبر و اصول حقوقی که مغایر موازین شرعی نباشد، حکم قضیه را صادر نمایند و نمی‌توانند به بهانه‌ی سکوت یا نقص یا اجمال یا تعارض قوانین، از رسیدگی به دعوا و صدور حکم امتناع ورزند. والا مستنکف از احقاق حق شناخته شده و به مجازات آن محکوم خواهند شد».

همانطوریکه این دو ماده بیان می‌دارند هیچ مسئله‌ی حقوقی نباید بدون نتیجه بماند اما در این باب که قانونی وضع نشده و منابع اسلامی خاصی نیز در دست نمی‌باشد تکلیف چیست؟ ایا فتاوی معتبری در این زمینه وجود دارد؟ آیا می‌توانیم با تکیه بر برخی اصول حقوقی پاسخ مناسبی برای این مشکل بیابیم؟ این موارد سوالاتی هستند که ما درصدد پاسخگویی به آنها هستیم تا بتوانیم به پاسخی درخور و کاربردی در علم حقوق دست یابیم. اگر بخواهیم از نظر اجتماعی به این موضوع بپردازیم باید گفت اگرچه در گذشته افراد دارای اختلال جنسیتی به دلایل مختلف در انزوا به سر می‌بردند اما امروزه به جهت فشارهای حقوق

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

بشری و احترام به اصل آزادی برای انتخاب شیوه‌ی زندگی، بحث تغییر جنسیت با دیدگاه روشن‌تری مورد پذیرش قرار گرفته است و این عمل بر طبق موازین پزشکی و زیر نظر متخصصان این فن صورت می‌گیرد. در کشور ما نیز با توجه به اصل قانونی بودن جرم و مجازات عمل تغییر جنسیت جرم نیست و چه بسا بعد از این تغییر فرد با یک ثبات شخصیتی محسوس به زندگی بهتری روی می‌آورد. در این مقاله سعی داریم تا با تکیه بر اصول مسلم حقوقی و نظریات معتبر فقهی به یک دیدگاه جامع و کاربردی در باب تغییر جنسیت در مسائل کیفری دست یابیم.

۲-تاریخچه‌ی تغییر جنسیت

ابتدا لازم می‌دانیم تا پیشینه‌ی مختصری از بحث را مطرح کنیم که به دنبال آن قلمرو موضوع به درستی مشخص شود. در حقوق اسلام تنها منبعی که نشان از سابقه‌ی بحث تغییر جنسیت می‌دهد مربوط به دوران امام علی (ع) است که در آن زمان حضرت کسی را که با پسرعمویش ازدواج کرده بود از او جدا و به مردان ملحق کرد. متاسفانه در فقه اسلامی و حقوق کشو ما در مورد وضعیت و شرایط تغییر جنسیت تحقیقات چندانی صورت نگرفته و قانون خاصی در این مورد وجود ندارد. در میان فقیهان امامیه امام خمینی (ره) نخستین فقیهی است که تغییر جنسیت را مجاز دانسته و به دنبال اتفاقی که در سال ۱۳۶۵ رخ داده بود اجازه‌ی مذهبی برای عمل جراحی تغییر جنیست را صادر کرد. این فتوای امام به عنوان نقطه‌ی آغازی در مسئله‌ی تغییر جنسیت در کشور ما محسوب می‌شود. البته مدارکی هم حاکی از این قضیه می‌باشد که در دوران قبل از انقلاب نیز عمل تغییر جنسیت انجام شده است، این عمل در سال ۱۳۰۹ صورت گرفته که در آن یک پسر ۱۸ ساله به دختر تبدیل شده است. در مورد دیگر کشورها نیز در آمریکا سابقه‌ی تغییر جنسیت به سال ۱۹۵۲ و در انگلستان به سال ۱۹۴۲ می‌رسد. امروزه اکثر کشورهای عضو اتحادیه اروپا تغییر جنسیت را امری قانونی اعلام کرده‌اند که به منظور وحدت رویه‌ی پزشکی هر ساله نشست بین‌المللی در این مورد تشکیل می‌شود. در ایران نیز برای نخستین بار در سال ۱۳۸۶ انجمن حمایت از بیماران مبتلا به اختلالات هویت جنسیتی در اداره‌ی کل ثبت شرکتها به ثبت رسید.

۳- مفهوم تغییر جنسیت

اگر بخواهیم از نظر لغوی عبارت «تغییر جنسیت» را تعریف کنیم باید بگوییم به این معناست که جنسیت فرد به کلی به جنس مخالف تغییر پیدا کند. اما با نگاهی عمیق‌تر باید بگوئیم در تغییر جنسیت علاوه بر جنس هویت فرد نیز به کلی دستخوش تغییر می‌شود به گونه‌ای که مسئولیت‌ها و شخصیت او در جنس جدید به ثبت می‌رسد و همراه با تغییر جسمی تغییر روحی و روانی نیز شکل می‌گیرد. اختلالات موجود در اندام جنسی و چگونگی تغییر و یا به تعبیری اصلاح آن به چند دسته تقسیم می‌شود که در اینجا به اختصار بیان می‌کنیم:

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

۱- فردی که فقط یک آلت تناسلی دارد ولی پوشیده است که با عمل جراحی جنس واقعی او مشخص می‌شود.

۲- افرادی که دارای هر دو آلت جنسی هستند که در فقه از آنها تحت عنوان خنثی یاد می‌شود که خود دو حالت دارد، خنثی ظاهر و خنثی مشکل. الف) خنثی ظاهر فردی است که یکی از علائم جنسی او بر دیگری برتری دارد و یکی از راه‌های شایع شناخت آن در حال حاضر توجه به حالات و ویژگی‌های روحی و روانی است. ب) خنثی مشکل فردی است که دارای هر دو علامت جنسی است و هیچ یک بر دیگری برتری ندارد، در اصطلاح پزشکی به چنین فردی دو جنسی واقعی می‌گویند.

۳- افرادی که هویت شخصیتی آنها با جسم و بدنشان هماهنگ نباشد در حالی که هیچ اختلال جسمی و جنسی در آنها پدیدار نیست به طور مثال فردی دارای اعضای جنسی مردانه و بی‌نقص است اما شخصیت روانی وی گرایش شدیدی به زنان دارد به گونه‌ای که احساس ناراحتی و نارضایتی عمیق و دائم در مورد جنس خود دارد. این افراد تحت عنوان «ترانسکشوآل» می‌باشند که در لغت فارسی برابر با «روان دگرجنسی» تعبیر شده است، این افراد همچنین خنثای روانی نیز نامیده می‌شوند.

٤-موافقان و مخالفان تغییر جنسیت

مسئله‌ای که پاسخ به آن از اهمیت اساسی برخوردار است جواز یا عدم جواز تغییر جنسیت می‌باشد. با نگاهی به ادیان مختلف پی می‌بریم که نظرات متفاوتی در این زمینه مطرح شده است. آیین مسیحیت به طور مطلق تغییر جنسیت را حرام می‌داند با این اعتقاد که این کار به نوعی دست بردن در خلقت خداوند است و نباید چنین کاری کرد، مذهب غیرشیعی دین اسلام نیز همسو با نظر مسیحیت است که علاوه بر استدلال مطرح شده به دلایلی همچون حرمت از بین بردن اعضای بدن، مخالف با مصالح عمومی و رواج همجنس‌بازی اشاره می‌کنند. در این بین علاوه بر فقهای اهل سنت گروهی از فقهای شیعه نیز در کشور ما قائل به ممنوعیت مطلق تغییر جنسیت می‌باشند از جمله ایت‌اله ناصر مکارم شیرازی، آیت‌اله علوی گرگانی، مرحوم آیت‌اله بهجت، مرحوم آیت‌اله فاضل لنکرانی. بعد از نظرات مطرح شده عده‌ای نیز حد میانه‌ای را در نظر گرفته و تغییر جنسیت را تحت شرایطی پذیرفته‌اند، این افراد استدلال می‌کنند که اگر تغییر جنسیت وابسته به وجود یک منفعت عقلایی مشروع باشد به گونه‌ای که شخص دارای مشکل جنسی را از مشکل خارج کند و البته پزشک متخصص نیز این عمل را مفید تشخیص دهد، با اشکالی همراه نیست. اکثر نظام‌های حقوقی دنیا نیز پیرو این نظریه هستند که از جمله آنها می‌توان به کشورهای آلمان، انگلستان، فرانسه، ایتالیا، هلند، پرتغال، دانمارک، ترکیه و بلژیک اشاره کرد. این کشورها شروطی را مطرح کرده‌اند که شامل: ۱- اعتقاد عمیق فرد به اینکه وی به جنسیت حاضر خود تعلق ندارد. ۲- نازا بودن ۳- رضایت به جراحی. کشور انگلستان در این‌خصوص لایحه‌ی به رسمیت شناختن تغییر جنسیت را در سال ۲۰۰۴ به تصویب رساند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

در پایان باید بگوئیم گروه سومی هستند که به طور مطلق تغییر جنسیت را پذیرفته و مانعی برای این کار قائل نیستند. این گروه تعداد اندکی می‌باشند که نخستین آنها امام خمینی (ره) است که در کتاب تحریرالوسیله خویش به صراحت و بدون هیچ قیدی به بیان این مسئله پرداختند. ایشان در این باب فرمودند: «ظاهر آن است که تغییر جنس مرد به زن و بالعکس آن با عمل جراحی حرام نیست». پیش از این کلام امام بین فقهای شیعه و سنی سکوت محض وجود داشت و این کلام امام با توجه به داستان از پیش گفته شده به عنوان نقطه‌ی آغازی در تاریخ کشور ما برای طرفداران و پیروان این عمل است که بعدها با تکیه بر اصول مسلم فقهی و حقوقی این امر را توجیه کردند. اولین اصلی که این گروه به آن استناد می کنند اصل اباحه است که براساس آن هر عملی مباح است مگر آن‌که دلیلی بر حرمت آن وجود داشته باشد (حرّ عاملی:۶۰) برای مثال حرمت عمل زنا به صراحت در قرآن کریم آمده است. دلیل دیگر استناد به قاعده‌ی تسلیط است که بیان می‌دارد:«النّاس مسلّطون علی اموالهم و أنفسهم»، براساس این قاعده انسان می‌تواند هر تصرفی در جان و مال خود انجام دهد. ناگفته نماند که پذیرش مطلق تغییر جنسیت با توجه به اصل و قاعده‌ی گفته شده با انتقاداتی همراه است که در نهایت این موارد نیز باید دارای منفعت مشروع عقلایی باشند. علاوه بر امام خمینی (ره)، آیت‌الله محمد علی گرامی نیز این عمل را به صورت مطلق جایز دانسته‌اند (استفتاء در تاریخ ۱۳۸۹/۱/۲۰).

۵-آثار تغییر جنسیت در احکام کیفری

سوال اولی که مطرح می‌شود این است که آیا تغییر جنسیت جرم است؟

باید گفت با توجه به ماده ۲ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۹۲ عملی جرم است که در قانون جرم‌انگاری شده و برای آن مجازات تعیین شده باشد در حالی که در مورد تغییر جنسیت مبحثی در هیچ قانونی مطرح نشده است. همچنین اصل ۳۷ قانون اساسی ایران بیان می‌دارد که:«اصل بر برائت است و حکم به مجازات و اجرای آن تنها از طریق دادگاه صالح و به موجب قانون ممکن خواهد بود». همانطور که می‌دانیم با توجه به این مواد مطرح شده و اصول مسلم حقوقی هر جا که تردید شود جرمی واقع شده یا خیر اصل بر عدم وقوع جرم است و قانون باید به سود متهم تفسیر شود (گلدوزیان:۲۲۳) حال که با شرایطی عمل تغییر جنسیت را پذیرفتیم باید بدانید این عمل علاوه بر عالم پزشکی و حقوق تاثیر بسزایی از نظر اجتماعی در زندگی فرد دارد. به عنوان مثال بسیاری از مشاغل در جامعهٔی ایران مختص به جنس خاصی هستند که جنس مخالف نمی‌تواند در آن فعالیت کند. مشاغلی همچون ریاست جمهوری که براساس اصل ۱۱۴ قانون اساسی و تفاسیر به عمل آمده تنها مردان حق انجام این نقش را دارند. حال سوالی که پیش می‌آید این است که اگر فردی در جنس مونث باشد و بعد از مدتی با عمل تغییر جنسیت تبدیل به مرد شود ایا می‌تواند رئیس جمهور شود یا خیر؟ و یا اینکه فردی که ریاست جمهوری را برعهده دارد اگر با عمل تغییر جنسیت تبدیل به جنس مونث شود از سمت خود برکنار می‌شود؟

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

پاسخ به سوالات مطرح شده با توجه به مطالب پیش گفته امکان‌پذیر است.

البته با توجه به نبود نص در قوانین کشور ما پاسخ به این سوال با توجه به پذیرش یکی از نظریات موجود در مورد تغییر جنسیت امکان‌پذیر است، نظریه‌ی ممنوعیت مطلق این عمل، نظریه‌ی مشروعیت مطلق و یا مشروعیت مشروط. اما در کشوری همچون فرانسه که بین زن و مرد در پذیرش مشاغل مختلف تفاوتی وجود ندارد تغییر جنسیت تاثیری در این مسائل نخواهد گذاشت.

درخصوص ارتکاب جرم در مسائل کیفری در ابتدا باید بین دو دسته جرم قائل به تفکیک شد.

۱) جرائمی که جنسیت در میزان مجازات آنها موثر است.

۲) جرائمی که جنسیت در میزان مجازات آنها موثر نیست.

یکی از مجازاتهایی که با توجه به جنسیت افراد میزان آن متفاوت است دیه می‌باشد. در حقوق ایران میزان دیه مرد و زن تا ثلث مقدار با هم برابر و در بیشتر از آن دیه مرد دو برابر زن است. به عنوان مثال اگر جرمی واقع شود که مستوجب پرداخت دیه باشد و مجنی علیه در هنگام ارتکاب جرم مرد باشد اما در فاصله‌ی جرم تا صدور حکم تغییر جنسیت دهد و زن شود، در این صورت دیه باید با توجه به کدام جنسیت وی پرداخت شود؟ باید گفت دیه باید بر مبنای جنسیت جدید پرداخت شود زیرا از نظر عرفی نیز فرد ملحق به جنسی است که در حال حاضر در آن قرار دارد. اما اگر مجنی علیه پیش از مطالبه‌ی دیه فوت کند دیه براساس جنسیت زمان مرگ محاسبه می‌شود. این موارد زمانی است که مجنی علیه تغییر جنسیت دهد. اما اگر جانی تغییر جنسیت دهد این قضیه تاثیری در پرداخت دیه ندارد زیرا دیه حکمی است که به مال فرد تعلق می‌گیرد و ارتباطی با جنسیت وی ندارد. در مورد جرم ارتداد که براساس قانون مجازات اسلامی جرم‌انگاری نشده است و هیچ حکمی نیز در مورد آن صادر نشده، اکثریت فقها قائل به این هستند که تکالیف شرعی باید براساس جنسیت فعلی مرتکب باشند. از طرفی درخصوص اعمال مجازات‌ها اصل تفسیر مضیق حاکم است و تفسیر قوانین جزایی باید به نفع متهم باشد. برای مثال اگر مردی مرتد شود و قبل از اجرای مجازات که اعدام است تغییر جنسیت دهد، مجازات خفیف که در اینجا حبس ابد است باید در مورد او اجرا شود. در حالت عکس نیز می‌توانیم به اصل استصحاب استناد کنیم یعنی اگر زنی که مرتد است با تغییر جنسیت مرد شود می‌توانیم مجازات خفیف را در مورد او اعمال کنیم با این توضیح که در مورد مجازات سابق یقین داریم و اکنون شک داریم که ایا مجازات وی تغییر کرده و یا خیر. در سایر جرائم حدی باید گفت فرد زمانی مرتکب جرم شده که دارای جنس مشخصی بوده است و جرم را با توجه به آن جنس انجام داده است پس مجازات وی نیز براساس جنسیت زمان ارتکاب جرم است. در جرائم زنا، لواط، تفخیذ و مساحقه جنسیت دارای اهمیت است ولی مجازات برای سایر جرائم حدی بدون توجه به مرتکب جرم در نظر گرفته شده است.

در مورد جرم قتل عمد که مجازات آن قصاص است صور مختلفی قابل تصور است. اگر فردی تغییر جنسیت دهد و پس از آن به قتل برسد و یا فردی را به قتل برساند ملاک اعمال مجازات جنسیت فعلی وی

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

یعنی زمان ارتکاب جرم است اما اگر فردی در هنگام وقوع قتل مرد باشد ولی پس از آن تا هنگام اجرای حکم تغییر جنسیت و تبدیل به زن شود آیا در میزان مجازات وی موثر است؟ در اینجا برخلاف اصل استحصاب که به ابقا ماکان نظر دارد عده‌ای از حقوقدانان بر این عقیده‌اند که عرف در حال حاضر فرد را به عنوان زن می‌شناسد در حالی که به نظر می‌رسد باید مجازات وی براساس زمان وقوع جرم باشد و نه اجرای مجازات. در مورد جرائم مستوجب تعزیر نیز اکثریت حقوقدانان بر این نظرند که فرد باید براساس جنس جدیدش که در حال حاضر ماهیت شخصیتی وی را تشکیل می‌دهد مجازات شود حتی اگر در هنگام ارتکاب جرم در جنس مخالف باشد.

٦- نتیجه‌گیری

در حال حاضر و در جامعه‌ی امروزی ما مسأله تغییر جنسیت با وجود افزایش افراد مبتلا به اختلالات جنسیتی، هنوز برای مردم حل نشده و دیدگاه‌ها و نظرات مثبتی در مورد این افراد وجود ندارد. حال آنکه در کشورهای دیگر با به رسمیت شناختن قوانین تازه در این مورد به افراد و جامعه فرصت شناختن این اختلال و چگونگی مواجه شدن با آن داده شده است. با وجود نظریات متعدد فقها در قرن حاضر و استدلال‌های محکم ایشان در این مورد متاسفانه هنوز قوه‌ی قانونگذاری ما اقدامی در این راستا انجام نداده است.

درست است که تغییر جنسیت راقع مسئولیت کیفری نیست و تحت هیچ شرایطی مسئولیت کیفری را به طور مطلق از بین نمی‌برد اما در میزان مجازات در برخی موارد موثر است و آن را دستخوش تغییر می‌کند. از آنجایی که در این موضوع نص قانونی وجود ندارد و در امور کیفری اصل تفسیر به نفع متهم حاکم است هر کجا که با توجه به جنسیت متهم در میزان مجازات وی شک حاصل شد مجازاتی را برای وی در نظر می‌گیریم که سبک‌تر بوده و به نفع متهم باشد. در واقع ما نمی‌وانیم موضوع مربوط به فرد تغییر جنسیت داده شده را بی‌پاسخ بگذاریم و در نهایت باید با توجه به منابع و فتاوی معتبر حکمی در خور را برای او در نظر بگیریم. در حال حاضر رسیدگی به موضوع تغییر جنسیت در صلاحیت دادگاه خانواده است که فقط ناظر به انجام عمل تغییر جنسیت و به دنبال آن تغییر هویت فرد و اسناد سجلی احوال او می‌باشد اما متاسفانه ابعاد دیگر موضوع از جمله ارتکاب جرم و دیگر مسائل حقوقی را دربر نمی‌گیرد. امید است با توجه به افزایش چشمگیر افراد مبتلا به اختلالات جنسیتی چه از نظر جسمی و چه از نظر روحی و روانی، اساتید محترم حقوق و قانونگذاران با درایتی همیشگی دست به تصویب قانونی شایسته و درخور در مورد این اشخاص بزنند تا در آینده‌ای نزدیک این افراد در انزوا مانده و چه بسا طرد شده از سوی جامعه با خیالی آسوده در کنار دیگر افراد به زندگی بپردازند.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]

فهرست منابع و مآخذ

۱- اصغری آقمشهدی، فخرالدین و عبدی، یاسر، وضعیت فقهی و حقوقی تغییر جنسیت، نشریه علمی-پژوهشی فقه و حقوق اسلامی، شماره دوم، ۱۷-۱، تابستان ۱۳۹۰.

۲- باریکلو، علی رضا، اثار حقوقی تغییر جنیست، فصلنامه مدرس علوم انسانی، شماره ۳، ۱۰۷-۱۲۹، پاییز ۱۳۸۳.

۳- رخشان، سعید و مرتضوی لنگرودی، سید محمد، تغییر جنسیت از منظر فقه، مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره سیزدهم، ۸۷-۵۵، بهار و تابستان ۱۳۹۳.

۴- رضایی فومنی، امیر و آیتی، سید محمدرضا، وضعیت تغییر جنسیت در حقوق ایران و کامن‌لا، مبانی فقهی حقوق اسلامی، شماره چهاردهم، ۱۴۰-۱۱۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۳.

۵- صناعی، سعید و فصیحی‌زاده، علیرضا، تغییر جنسیت و آثار فقهی-حقوقی آن بر روابط زوجین، فقه و حقوق خانواده، شماره ۵۶، ۲۷-۱، ۱۳۹۱.

۶- عباس‌زاده، رقیه و اسدی، ابوالقاسم و گنجی، محمد حسین، آثار تغییر جنسیت در جرائم و مجازات‌ها، نشریه فقه و مبانی حقوق اسلامی، شماره چهل و ششم، ۳۲۰-۲۹۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۲.

۷- قدسی، سید ابراهیم و میرحسینی امیری، سیده کلثوم، تغییر جنسیت در احکام کیفری، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، شماره چهل و سه، ۱۴۴-۱۲۱، بهار ۹۵.

۸- موسوی بجنوردی، سید محمد، بررسی فقهی حقوقی درخصوص تغییر جنسیت با رویکردی بر نظر حضرت امام خمینی (ره)، پژوهش‌نامه‌ی متین، شماره سی و ششم، ۳۵-۲۱، ۱۳۸۶.

[Downloaded from jlawst.ir on 2026-10-30]